



• هیچ نویسنده‌ای را  
نباید به دلیل آنکه به زبانی  
می‌نویسد که زبان  
بین‌المللی نیست مورد کم‌توجهی  
قرار داد.

• نویسندگان  
و هنرمندان کشورها  
با همه دشواریها و تنگناها  
حرفهای شنیدنی  
بسیار دارند که بدون شنیدن آن،  
سخن گفتن از غنای  
فرهنگ جهانی کودکان  
در حد حرف باقی می‌ماند.

• جهانی شدن این نیست  
که درباره مباحثی بنویسیم که همه  
آن را به راحتی بفهمند.



# گزارشی از بررسی آثار و مطالعات فرهنگی نامزدهای دریافت جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن

(۱۹۹۱-۱۹۹۲)

ثریا قزل‌ایاغ  
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران





نویسندگان و هنرمندان کشورها با همه دشواریها و تنگناها حرفهای شنیدنی بسیار دارند که بدون شنیدن آن، سخن گفتن از غنای فرهنگ جهانی کودکان در حد حرف باقی می ماند.

غرض از این بحث مقدماتی این بود که متوجه باشیم در چه شرایط دشواری باید درباره سرنوشت جایزه تصمیم گرفت. به هرحال، هیأت داوران با آگاهی کامل از همه محدودیتها کار خود را آغاز کرد. اولین قدم تبیین ضوابط بود. گرچه چارچوب قضاوت درباره آثار ادبی و هنری در جایزه آندرسن به وسیله آیین نامه هیأت داوران مشخص شده است ولی در هر دوره بر طبق بند شش همین آیین نامه، هیأت داوران موظف به تبیین ضوابط مشخص هستند و قبل از هرگونه تصمیم گیری نهایی باید درباره ضوابط بحث کنند و درباره آن به اتفاق نظر برسند.

معمولاً رسم بر این است که هر یک از اعضاء به طور جداگانه دیدگاهها و رئوس اصلی معیارهای مورد نظر خود را به اطلاع رئیس هیأت داوران می رساند و وی نظرها را جمع بندی کرده و به صورت ضوابط ارزشیابی آن دوره برای کلیه اعضا می فرستد تا داوری بر اساس ضوابط جمعی صورت گیرد.

خطوط اصلی در ضوابط ارزشیابی ۱۹۹۱-۱۹۹۲ به قرار زیر است:

۱. نوآوری و خلاقیت و غنای ادبی و هنری؛
۲. حفظ و شناساندن اصالت فرهنگی که خاستگاه آن آثار است؛
۳. دید مثبت و صادقانه هنرمند نسبت به انسان و تواناییهای او؛
۴. تعهد او به ایجاد نوعی ارتباط جهانی واقع بینانه از طریق ادبیات و هنر؛
۵. توجه به ویژگیهای ذهنی و روانی کودکان و نوجوانان. حال با توجه به آنچه گذشت ابتدا نگاهی به آثار نویسندگان نامزد دریافت جایزه می افکنیم:

نویسندگان همگی از سرآمدان جامعه خود بودند. سالها در این راه تلاش کرده و به دریافت بالاترین جوایز ملی، منطقه ای و گاه جوایز مهم بین المللی نایل شده بودند. اغلب، حوزه فعالیتهاشان تنها به آفرینش آثار ادبی و هنری کودکان و نوجوانان محدود نمی شد. مثلاً هاریا الینا والش<sup>۱</sup> از کشور آرژانتین، نویسنده، شاعر، نمایشنامه نویس، فیلمساز، ترانه سرا، گردآورنده موسیقی محلی آمریکای لاتین، و یکی از مبارزان خط اول جبهه ضد دیکتاتوری نظامی است. او از شهرتی جهانی برخوردار است. انسانی است که با وجود بیماری سرطان که جان او را ذره ذره می گاهد، در سرتاسر قاره خود حرکت می کند و با ترانه ها و اشعار و قصه های خود برای کودکان فقرزده، گرسنه و بی یاور آمریکای لاتین دمی شادی و زیبایی را به ارمغان می برد. ترانه های عمیق و زیبایی اولالایی است برای خستگانی که دمی به آرامش نیاز

هنر کودکان است که مسلط بر یکی از این زبانها هم باشند و جای عضو هیأت داوران بخوانند و تجربه های خود را به او منتقل کنند. یافتن چنین همراهانی در کشورهای اروپایی و آمریکایی که اقلیتهای قومی فراوانند و گروههای دانشگاهی ادبیات و زبانهای خارجی فعال، کار چندان دشواری نیست ولی برای سایر کشورها همچنان محدودیت باقی است و قضاوت نهایی به ناچار بر پایه ترجمه آثار، خلاصه ها و بحثهای گروهی دوزن نشست مستمر صورت می گیرد.

محدودیت دیگر عدم شناخت کافی از فرهنگهایی است که بستر آفرینش ادبی و هنری آثار بوده اند. عدم شناخت فرهنگی بر شیوه های داوری اثر می گذارد. از باب مثال شیوه برخوردی را که یک فرهنگ آن را بدینی و تلخی تلقی می کند، فرهنگ دیگر پایان خوش منطقی می شناسد و از آن دفاع می کند. حال چه قدر می توان به بحث و گفتگویی فشرده در دوزن نشست جهت قانع کردن یکدیگر و نزدیکتر کردن دیدگاهها دلخوش کرد، جای بحث بسیار دارد.

در همین رابطه باید خاطر نشان کرد که بخت نامزدهای دریافت جایزه در برابر بافت فرهنگی هیأت داوران بختی مساوی نیست. هیأت داورانی که از ده عضو آن شش نفر اروپایی است با ریشه های فرهنگی مشترک یا شاید با یک فرهنگ مشترک، چگونه می تواند با همان نگاهی که آثار نمایندگان فرهنگ خود را ارزشیابی می کند به پدیده های هنری و ادبی نمایندگان دیگر فرهنگها بنگرد، وقتی خود چندان درباره خاستگاه و بستر واقعی آفرینش این آثار چیز زیادی نمی داند. مروری بر فهرست برندگان جایزه آندرسن از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۹۲ نشانگر نتیجه منطقی حضور دائمی نمایندگان فرهنگ یا فرهنگهایی خاص در هیأت داوران است (جدول شماره ۳).

تردیدی نیست که کیفیت ادبیات کودکان در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی را با آن سابقه طولانی نمی توان در تمام ابعادش با کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین مقایسه کرد، اما این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که

جدول ۳. فهرست تعداد برندگان جایزه آندرسن از ۱۹۵۶ تا ۱۹۹۲

نام قاره	تعداد
اروپا	۲۲
آمریکای شمالی	۵
آسیا	۳
استرالیا	۲
آمریکای جنوبی	۱
جمع کل	۳۳



CANDIDATES FOR THE HANS CHRISTIAN ANDERSEN AWARDS 1992

Country	Author	Illustrator
Argentina	Maria Elena Walsh	Raúl Fortín
Austria	Käthe Recheis	Erwin Moser
Brazil	Ziraldo Alves Pinto	Helena Alexandrino
Canada	James Houston	Eric Beddows
China	Jin Bo	Yang Yong Qin
Costa Rica	Lara Ríos	Vicky Ramos
Czecho-Slovakia	---	Kveta Pacovská
Denmark	Bent Haller	Dorte Karrebæk
Finland	Hannu Mäkelä	Kaarina Kaila
France	---	Nicole Claveloux
Germany	Peter Härtling	Nikolaus Heidelbach
Greece	Galatia Grigoriadou-Sourelí	Artemis Nicolaidis
Iran	Hooshang Moradi Kermani	---
Israel	Uri Orlev	---
Japan	---	Yasuo Segawa
Netherlands	Els Pelgrom	Max Velthuis
Norway	Torill Thorstad Hauger	Harald Nordberg
Spain	Concepción Lopez Narvaez	Asun Balzola
Sri Lanka	---	Sybil Wettasinghe
Sweden	Barbro Lindgren	Eva Eriksson
Switzerland	Hans Manz	Warja Lavater
United States	Virginia Hamilton	Ed Young

نامزدهای دریافت جایزه هانس کریستین آندرسن سال ۱۹۹۲

HANS CHRISTIAN ANDERSEN AWARDS

1956	Author	Eleanor Farjeon	(Great Britain)
1958	Author	Astrid Lindgren	(Sweden)
1960	Author	Erich Kästner	(Germany)
1962	Author	Meindert DeJong	(United States)
1964	Author	René Guillot	(France)
1966	Author	Tove Jansson	(Finland)
1966	Illustrator	Alois Carigiet	(Switzerland)
1968	Authors	James Krüss José María Sanchez-Silva	(Germany) (Spain)
1968	Illustrator	Jiri Trnka	(Czechoslovakia)
1970	Author	Gianni Rodari	(Italy)
1970	Illustrator	Maurice Sendak	(United States)
1972	Author	Scott O'Dell	(United States)
1972	Illustrator	Ib Spang Olsen	(Denmark)
1974	Author	Maria Gripe	(Sweden)
1974	Illustrator	Farshid Mesghali	(Iran)
1976	Author	Cecil Bødker	(Denmark)
1976	Illustrator	Tatjana Matwina	(USSR)
1978	Author	Paula Fox	(United States)
1978	Illustrator	Svend Otto S.	(Denmark)
1980	Author	Bohumil Ríha	(Czechoslovakia)
1980	Illustrator	Suekichi Akaba	(Japan)
1982	Author	Lygia Bojunga Nunes	(Brazil)
1982	Illustrator	Zbigniew Mychlicki	(Poland)
1984	Author	Christine Nöstlinger	(Austria)
1984	Illustrator	Mitsumasa Anno	(Japan)
1986	Author	Patricia Wrightson	(Australia)
1986	Illustrator	Robert Ingpen	(Australia)
1988	Author	Annie M.G. Schmidt	(Netherlands)
1988	Illustrator	Dusan Kallay	(Czechoslovakia)
1990	Author	Tormod Haugen	(Norway)
1990	Illustrator	Lisbeth Zwerger	(Austria)

برندگان جایزه هانس کریستین آندرسن سال ۱۹۹۲

دارند تا دوباره بتوانند در عرصهٔ مبارزه برای بقا حاضر شوند.

جیمز هوستون<sup>۲</sup> کانادایی هنرمند و هنرشناس و پژوهشگر بین‌المللی و کاشف و معرف هنر اسکیموها و سرخپوستان به جهان است. او یکی از فرمانداران غیرنظامی منطقهٔ بافین غربی (منطقهٔ قطبی کانادا) بوده و در حال حاضر رئیس انجمن سرخپوستان امریکای شمالی است. کلیه آثار او برای نوجوانان دربارهٔ زندگی اسکیموها در منطقه قطبی کانادا است.

توریل تورستاد هوئر<sup>۳</sup> نروژی، نویسنده، مترجم، باستانشناس و سرپرست بخش تاریخ موزهٔ نروژ است. تخصص او در تاریخ دورهٔ وایکینگهاست و بیشتر آثار او برای نوجوانان مربوط به این دورهٔ تاریخی است.

کیت رشا<sup>۴</sup> اتریشی پژوهشگری سرشناس و جهانی است و در حال حاضر سرپرست دفتر بین‌المللی امور مهاجرین در وین است. وی به سرتاسر جهان سفر می‌کند و پژوهشهای بین‌المللی او دربارهٔ فرهنگهایی است که در طول تاریخ مظلوم واقع شده‌اند. بخش عمدهٔ آثار او برای نوجوانان دربارهٔ تاریخ سرخپوستان امریکا و مهاجران ایرلندی نوشته شده است.

به راستی چنین عرصه‌ای صحنهٔ رویارویی غولهاست. هریک نمودگاری هستند از تلاش و حرکت و ایستادگی و عشق به انسان خصوصاً به کودکان و نوجوانان.

در تحلیل نهایی، هیأت داوران به این نتیجه رسید که بخش بزرگی از آثار این دسته از نام‌آوران گرچه جایگاه خاصی در ادبیات جهانی دارد ولی بیشتر می‌توان بر ارزشهای اطلاعاتی و استنادی این آثار تکیه کرد. خوب و جذاب و خواندنی هستند، دری را به روی ناشناخته‌ها می‌کشایند ولی بار اطلاعاتی آثار آنها بر ارزشهای ادبی‌شان می‌چربد و با همهٔ شگفت‌انگیزی و ستایش‌آمیز بودن تلاشهایشان، این بزرگان کمتر به دنبال راههای نو هستند و تا حدودی اسیر چرخهٔ تکرار شده‌اند و میل خود را برای جستجوی افقهای تازه از دست داده‌اند. اینکه هوستون همیشه دربارهٔ اسکیموها بنویسد و رشا اغلب دربارهٔ سرخپوستان و هوئر دربارهٔ وایکینگها چندان مهم نیست. مهم آن است که در هر اثر چه قدر می‌توانند به عمق و گوناگونی ابعاد موضوع طرح شده دست یابند.

ما که در کشورهای در حال رشد همواره به حرفه‌ای شدن نویسندگانمان به عنوان تنها راه حل دست یافتن به ادبیاتی غنی و پر بار می‌اندیشیم باید در نظر داشته باشیم که گرچه حرفه‌ای شدن نوعی پختگی به بار می‌آورد ولی آن روی سکهٔ حرفه‌ای شدن گاه افتادن در دام نوعی تولید جبری نیز خواهد بود: هنرمند باید کاری عرضه کند چون ناشر، ویراستار، یا جامعه از او انتظار دارد. چنین می‌شود که ما با دستاوردهایی روبرو هستیم که بیشتر تولید هستند تا آفرینش ادبی.

نکتهٔ دیگر مورد بحث هیأت داوران مسألهٔ جهانی شدن بود.



واهی و دروغین به همان اندازه مسموم کننده می‌دانستند. اما بر سر تفسیر اینکه چه چیز پایان خوش دروغین یا غرق کردن در ناامیدها است اتفاق نظری حاصل نمی‌شد.

آیا لالایی خواندن برای کسی که با تن خسته‌اش به دمی آرامش نیاز دارد پایان خوش دروغین است؟ یا سیلی زدن بر گوش زهرخورده‌ای که خواب برای او مرگ است، غرق کردن او در ناامیدهاست؟

در اصل، این گفتگوها بر سر آثار نویسندگانی صورت می‌گرفت که هیچگونه تعهدی به حفظ پایان خوش به معنی متداول آن برای خود قائل نبودند که **بنت هالو**<sup>۱</sup> دانمارکی یکی از آنهاست. او معتقد است که در طرح مسائل زندگی با نوجوانان باید صادقانه برخورد کرد. حرف صادقانه هر چند هم ظاهراً تلخ باشد اثر مثبت به جای می‌گذارد. او می‌گوید نوجوان باید بداند که همانگونه که در زندگی واقعی درنده‌خویی و انسانیت، مهربانی و خشونت، شادی و غم وجود دارد هیچگونه تضمینی هم نمی‌تواند برای پایان خوش وجود داشته باشد.

یکی از آثار بسیار بحث‌انگیز او برای بچه‌ها ممنوع<sup>۱</sup> بود:

دو نوجوان که در شرایط رفاه نسبی از خانه‌ای پر از جنگ و جدل خانوادگی می‌گریزند و به یک گروه نوجوان ظاهراً ولگرد که برای یک زندگی آرمانی و آزاد مبارزه می‌کنند می‌پیوندند و سختیهای دنیای بیرون را تجربه می‌کنند. پدر پس از مدتها جستجو آندو را می‌یابد و قصد بازگرداندن آنها را به خانه دارد. صحنه آخر کتاب در جایی ختم می‌شود که پدر در یک طرف شیشه فرودگاه ایستاده و دو پسر در طرف دیگر آن. آن دو باید تصمیم بگیرند که بین امنیت نسبی در خانواده و یک زندگی دشوار و خشن در دنیایی بی‌ترحم ولی سرشار از ناشناخته‌ها یکی را برگزینند و آن دو به پدر پشت می‌کنند.

آیا پایان این داستان ناامیدکننده است یا خوش؟

مسلماً قضاوت در این باره به پایگاهی بستگی دارد که از آن به کتاب نگاه می‌کنیم. برای بچه‌هایی که در شرایط دشوار اقتصادی به طور پیش‌رس به بازار کار پیوسته‌اند و آرزویشان لحظه‌ای زیستن بی‌دغدغه در محیط گرم و طبیعی خانواده است این پایان می‌تواند ناامیدکننده باشد زیرا خانواده را نفی می‌کند و از کسانی که با تمام وجود سختیها و دشواریها و خشونت‌های جامعه را لمس کرده‌اند امید را می‌گیرد. حال آنکه برای بچه‌هایی که در ناز و نعمت و در نهایت بی‌خبری زندگی می‌کنند و قدر آنچه را که زیستن در محیط خانواده به همه دشواریهایش برای آنها فراهم می‌کند نمی‌دانند، سهم شدن در تجربه‌های جهان بیرون حتی اگر به صورت دست دوم باشد این خاصیت را دارد که آنها را با واقعیت‌هایی که خواه ناخواه روزی به طور مستقیم آن را تجربه خواهند کرد

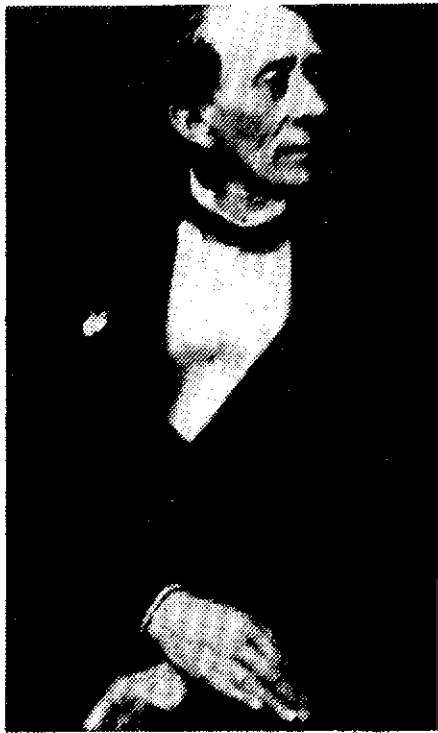
احساس کلی این بود که گاه برداشتهای غلطی از این مفهوم می‌شود. جهانی شدن این نیست که درباره مباحثی بنویسیم که همه آن را به راحتی بفهمند. اشاره شد که گاه نویسندگان برای فرار از یکنواختی، مرزها را می‌کشایند و درباره فرهنگ‌هایی می‌نویسند که خود آن را به خوبی نمی‌شناسند. این گونه آثار گرچه ممکن است موقتاً خوانندگان داخلی آنها را ارضاء کند ولی از نظر بین‌المللی فاقد هرگونه عمق و اعتبار و اصالت است.

موريس ساكسي متخصص استرالیایی ادبیات کودکان و عضو سابق هیأت داوران در این باره نکته ظریفی را عنوان می‌کند. او می‌گوید: «بهترین کتابهای کودکان هرگز در خلاء یا در فضای جهان وطنی خلق نمی‌شوند بلکه برعکس ریشه‌های خود را در فرهنگی محکم می‌کنند که به آنها اجازه به وجود آمدن داده است، و چنین است که به سرتاسر جهان حرکت می‌کنند بی آنکه هرگز پیوند خود را با خاستگاه فرهنگیشان قطع کرده باشند».<sup>۵</sup>

هشدار هیأت داوران این بود که باز کردن مرزها نوعی خطر کردن است و باید هنگامی صورت بگیرد که نویسنده و هنرمند از شناخت و نوانایی خود در برخورد با پدیده‌های ناشناخته فرهنگ دیگر مطمئن باشد تا توریل هوئر نویسنده نروژی که درباره زندگی مهاجران جنگهای داخلی امریکا می‌نویسد متهم نشود که تاریخ امریکا را به درستی نخوانده و از ریشه‌های عمیق و مشکلات مهاجران و شرایط خاص آن دوره تاریخی چیزی نمی‌داند. حال آنکه وقتی همین نویسنده در کتاب برده و ایکینگها درباره چهره پلید برده‌داری در عصر تسلط و ایکینگها صحبت می‌کند واقعیت‌هایی را با کودکان جهان سهیم می‌شود که بسیار ناشناخته مانده است.

بعضی از آثار کتیبه رشا (نویسنده اتریشی) نیز که درباره سرخپوستان نوشته شده مورد سؤال قرار می‌گیرد که چگونه نویسنده انتظار دارد مشکلات سرخپوستان امریکا و اصولاً مسأله ریشه‌دار اختلاف بین نژادها را با یک دوستی ساده و عاطفی بین دو نوجوان از دو نژاد به شیوه‌ای مقطعی، احساساتی، غیرواقع بینانه و سطحی حل کند، و حال آنکه همین نویسنده وقتی در شاهکار خود **لینا**<sup>۶</sup> درباره زندگی، ترسها و نگرانیها، وحشت‌زدگیها، مقامتها و ضعفهای شخصیت انسان در برخورد با مسائل و مشکلات جنگ و اشغال نظامی سخن می‌گوید می‌تواند به بچه‌های دنیا امکان بدهد فراتر از اطلاعات روبنایی مربوط به جنگ جهانی دوم، عمق فاجعه را درک کنند.

مسأله بحث‌انگیز دیگر اختلاف نظر بر سر تفسیر «دید مثبت و صادقانه هنرمند نسبت به انسان» بود. تقریباً همه اتفاق نظر داشتند که نویسنده حق ندارد با دستاویز قرار دادن واقعیت‌های عینی، کودکان و نوجوانان را که نیازمند انگیزه قوی برای ایستادگی و حفظ خود در این دنیای پُر آشوب هستند در ناامیدی غرق کند، و از طرف دیگر خوش‌بینی‌ها و ساده‌اندیشی‌های نویسندگان را نیز در به کار گرفتن نوعی پایان خوش غیرمنطقی و امیدواریهای



هانس کریستین اندرسن

### 1992 Andersen Jury Elected

The international 1992 Hans Christian Andersen Jury will meet at the IBBY Secretariat in Basel, Switzerland, 2-3 April 1992, to select the recipients of the 1992 Hans Christian Andersen Awards from nominations made by the IBBY National Sections. The Jury will work under the chairmanship of Eva Glisrup, who is Professor of Children's Literature at the Royal Danish School of Librarianship in Copenhagen. The President of IBBY, Ronald Jobe, is a member of the Jury *ex officio*. The Jury has now been elected by the IBBY Executive Committee and consists of the following eight members:

- Amalia Bermejo Gordon, librarian in the Faculty of Archivists, Librarians and Archaeologists, researcher and translator in Madrid, Spain.
- Jeffrey Garrett, Assistant Professor of Library Science at Purdue University, West Lafayette, Indiana, USA, former head of the English Language Section of the International Youth Library.
- Soraya Ghazelayagh, Professor of Children's Literature, researcher and translator in Teheran, Iran.
- Andress Jaaksoo, writer and editor-in-chief of the translation department of the publishing house Eesti Raamat, in Tallinn, Estonia.
- Elisabeth Külling, Assistant at the Department of Slavistics at the University of Basel; former research assistant at the Swiss Children's Book Institute.
- Kyoko Matsuo, Director of the Tokyo Children's Library, member of the editorial committee of the Asian Copublication Programme, author, translator and storyteller in Tokyo, Japan.
- Peter Schneck, Director of the Vienna Pedagogical Institute and member of the Children's Literature Commission of the Austrian Ministry of Education.
- Jens Thiele, Professor of Art and Visual Media at the University of Oldenburg, Germany.

هیأت داوران

جایزه هانس کریستین اندرسن

سال ۱۹۹۲

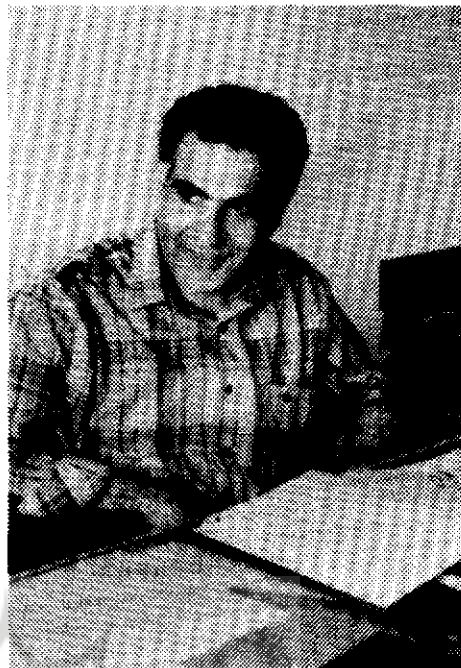
و معلوم نیست اگر بی‌خبر بمانند بتوانند سختیهای آن را تاب بیاورند آشنا می‌کند.

اثر بحث‌انگیز دیگر سوفی کوچولو و عروسک کهنه‌ای لنگ‌دراز اثر الز پلگروم<sup>۱۱</sup> هندی بود.

این داستان به زندگی دختر بیماری به نام سوفی می‌پردازد که در اتاق خود در بستر بیماری افتاده و انتظار مرگ را می‌کشد. اتاق او پر از اسباب‌بازیهای گوناگون است. روزی به دعوت یکی از عروسکها قبول می‌کند که به دنیای اسباب‌بازیها سفر کند، سفری پُر ماجرا که باید تا آخر آن را تاب بیاورد. سفری سرشار از تجربه‌های استثنایی در شناختن ابعاد مختلف زندگی و رفتارهای شخصیت انسانی. سوفی سرانجام خسته ولی راضی به اتاق خود برمی‌گردد و در بستر خود می‌میرد. فردای آن روز وقتی جسم او را تشییع می‌کنند او با دوستان قدیمش خرس و دلچک و عروسک لنگ‌دراز سفر دیگری را آغاز می‌کند.

آیا این کتاب می‌خواهد به کودکان بگوید که در شرایط مشابه باید منتظر مرگ باشند یا می‌گوید حتی در بستر بیماری و مرگ هم می‌توان در جستجوی معنایی برای زندگی بود، و اینکه آگاه مردن مرگ نیست بلکه خود نوعی زندگی است. برگردیم به این اصل که نمی‌توان درباره‌ی پایان قصه‌ها به راحتی و به طور کلی اظهار نظر کرد. لالایی به خودی خود نه مثبت است نه منفی، مگر آنکه بدانی برای چه کسانی آن را می‌خوانی. آنان که باید بخوابند یا آنان که باید بیدار بمانند.

موضوع بحث‌انگیز دیگر در هیأت داوران به کارگیری تخیل بی‌هدف بود. تأکید بعضی از اعضا بر این بود که نقش مؤثر عنصر اعجاب‌انگیزی و تخیل در داستانهای کودکان به منزله‌ی آن نیست که نویسنده خود را رها از هرگونه توجیه‌پذیری احساس کند. تخیل قوی نویسنده نقطه‌ی قوت کار ادبی برای کودکان است، اما نه تخیلی لجام‌گسیخته از آن دست که در بعضی از آثار هانو ما که لای<sup>۱۲</sup> فنلاندی و گالانیا سورلی<sup>۱۳</sup> یونانی مشاهده می‌شود. در جلسه تأکید گردید که جمع کردن دامنه‌ی تخیل به اندازه‌ی گسترده آن اهمیت دارد. در این دور از بررسی طنز نیز در آثار هنرمندان نمودی مشخص داشت و از گوناگونی برخوردار بود. گاه شیرین و سرشار از نشاط و سرزندگی بود مثل طنز لازاریوس<sup>۱۴</sup> کاستاریکایی در دو جلد کتاب شلوارها<sup>۱۵</sup> که به خاطره‌های روزمره و ساده‌ی یک نوجوان از مدرسه، خانواده و محیط می‌پردازد و طنز مرادی کرمانی در قصه‌های مجید که تقریباً روی همان روال حرکت می‌کند. یا طنز تفکربرانگیز باربرولیندگرن<sup>۱۶</sup> در قصه‌ی کرم<sup>۱۷</sup> و شورتی پرواز می‌کند<sup>۱۸</sup> که فلسفه‌تنبهایی انسان و نیاز به همدلی را مطرح می‌کند. یا طنز تلخ و اجتماعی اثر پلگروم هندی در سوفی کوچولو و عروسک کهنه‌ای لنگ‌دراز و ولگردان



Highly Commended for  
Contribution to Writing

**HOUSHANG MORADI KERMANI** Iran

an insight into the hardships of rural life in his country. Young people will be able to identify themselves in these challenging stories. He has received many awards, including the Children's Book Council of Iran Award in 1980, the Iranian National Book Award in 1985, the Golden Flying Pen in 1989 and the Golden Tablet in 1990. Two of his books have been nominated for the IBBY Honour List.

**Selected bibliography:**

- Qureshaye Majid* (The Stories of Majid). Tehran: Sahab Publishers, 1979/1987. 5 vols.
- Bacheha-e Qalbafshaneh* (The Children of the Carpet Weaving Mill). Tehran: Sahab Publishers, 1980. IBBY Honour List 1982.
- Nahid* (The Date Palm). Tehran: Sahab Publishers, 1982. IBBY Honour List 1984.
- Chakmeh* (The Bow). Tehran: Sahab Publishers, 1984.
- Dustane an Khosrosh* (The Story of that Cask). Tehran: Sahab Publishers, 1989.



Houshang Moradi Kermani was born in the village of Sirch, near Kerman in 1944. He lived and went to school in the village till the age of 12, when he moved to Kerman. Later he came to Tehran and graduated in English language and literature. While a student, he started working for the radio and the press. Later he became an employee of the Ministry of Health, a job that he holds to date. He is married and has three children.

Moradi has written nine works for children and young people. Especially his short stories have brought him nationwide fame. He describes the hardships of the poor, while preserving lasting human values. His language is both dynamic, colourful and most readable. He depicts village life in Iran, and through the strength of his writing he is able to provide young readers with

ژاکوبین<sup>۱۹</sup>. گاه نیز نویسنده‌ای به ارائه لطفه‌های ساده و پیش پا افتاده دلخوش کرده بود، مثل کارهای گالانیا سورلی یونانی در فایق دیوانه بدون سکان<sup>۲۰</sup> و گنجشک گت قرمز<sup>۲۱</sup>.

سرانجام پس از هشت ساعت بحث و گفتگو و تلاش برای نزدیک کردن دیدگاهها و ارزشیابی ضعفها و قوت‌های کار نویسندگان، قرار شد تکلیف برنده را رأی روشن کند. عدم حضور نماینده استونی در جلسه باعث شد که تنها ۷ نفر حق رأی داشته باشند. رأی‌گیری باید به شیوه حذفی و در پنج نوبت صورت می‌گرفت. دور اول نه نفر از هجده نفر، دور دوم پنج نفر از نه نفر، دور بعدی سه نفر از پنج نفر و بعد دو نفر از سه نفر و سرانجام نفر برنده. در دور چهارم رأی‌گیری ویرجینیا همیلتن<sup>۲۳</sup> امریکایی با شش رأی و الز پلگروم هلندی با پنج رأی به دور نهایی راه یافتند که اگر یک بار دیگر هم رأی‌گیری می‌شد در نتیجه تغییری حاصل نمی‌گردید، لذا توافق شد که ویرجینیا همیلتن برنده جایزه شناخته شود.

ویرجینیا همیلتن<sup>۲۲</sup> نویسنده سیاهپوست امریکایی - استاد دانشگاه، محقق در زمینه‌های تعلیم و تربیت و فرهنگ عامه و متخصص فولکلور سیاهان است. هم شخصیتی سرشناس در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید و هم در محافل دانشگاهی از شهرت و اعتبار علمی برخوردار است. آثار او تماماً توسط منتقدان مختلف در نشریات گوناگون ادبی مورد تحسین قرار گرفته است و چندین بار به دریافت جایزه نیوبری که معتبرترین جایزه ادبی امریکا در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان است نایل شده است. کتاب ام. سی. هاجینز کبیر<sup>۲۳</sup> او علاوه بر نیوبری جایزه مجله هورن بوک<sup>۲۴</sup> و جایزه ادبی بوستون گلوب<sup>۲۵</sup> را به خود اختصاص داده است و تنها کتابی است که در تاریخ ادبیات کودکان امریکا به طور همزمان سه جایزه بزرگ ادبی را دریافت داشته است.

آثار او به سبب توانمندی تحسین برانگیزش در به کارگیری زبان پُر رمز و راز و مبهم و کنایه‌آمیز روزه‌نامه سیاهان و تبدیل آن به زبان صیقل‌یافته ادبی و همچنین برخورد متهورانه و صداقت‌آمیز او با مسائل حاد جامعه امروز سیاهان امریکا خصوصاً نسل جوان که بازتاب آن را در ستاره جونور براون<sup>۲۶</sup> و هاجینز کبیر می‌توان دید و به سبب قدرت او در به هم آمیختن واقعیت و اسطوره و فولکلور و تخیل قوی او که نمونه بارز آن در ماجراهای جادویی پرتی پرل<sup>۲۷</sup> نمایان است مورد تحسین اکثریت هیأت داوران قرار گرفت و شایسته دریافت جایزه شناخته شد. گرچه بعضی از اعضای هیأت داوران با همه ارزشمندی نتوانستند مجموعه آثار همیلتن در مورد اسطوره‌ها و فولکلور سیاهان را به عنوان آثار ادبی بپذیرند.

آنچه نهایتاً سبب شد که او به عنوان نویسنده برنده جایزه از رقیب دیگر خود الز پلگروم پیشی بگیرد توان آثار او در شناساندن فرهنگ سیاهان امریکا بود. به اعتقاد اکثریت با همه آنچه

تاکنون درباره تاریخ برده‌داری و مبارزه سیاهان در امریکا نوشته شده آثاری از این دست که بتواند به عمق مشکلات کنونی زندگی سیاهان نظیر دشواریهای خانوادگی، بی‌عدالتیهای اجتماعی و مبارزه برای برابری و یک زندگی در شأن انسانی پردازد کم است. و هنوز هم جهان خصوصاً کودکان و نوجوانان نیاز دارند این اقلیت قوی را بهتر بشناسند تا بهتر بتوانند از آرمانهای آنها پشتیبانی کنند.

ضمن احترام کامل به نظر اکثریت، من در اقلیت مطلق کار الز پلگروم را با آن اصالت و صداقت تحسین برانگیز، ساختمان ادبی محکم و زیبا و سرشار از طنز و ایهام شایسته دریافت جایزه می‌دانم و امیدوارم این نویسنده توانا در دور آینده فراتر از زرق و برقها و تبلیغات با سادگی، صداقت و اصالت و عمق آثارش بتواند هیأت داوران آینده را نسبت به محق بودن خود مجاب کند.

در بند ۶ آیین‌نامه هیأت داوران پیش‌بینی شده است که هر گاه هیأت داوران متفق القول باشند که تلاشهای یک هنرمند را مورد ستایش قرار دهند می‌توانند او را به دریافت لقب نویسنده یا هنرمند برگزیده مفتخر کنند، و به این وسیله بخت شناخته شدن و خوانده شدن آثارش را به او بدهند.

ماریا النا والش (آرژانتین) و هوشنگ مرادی کرمانی (ایران) هر دو از این نظر مورد تحسین اکثریت قرار گرفتند. با آنکه یکی از اعضای هیأت داوران (نماینده ژاپن) و همچنین رئیس هیأت داوران بر اساس تجربه‌های قبلی با اعطای این لقب در کل مخالف بودند، پس از رأی‌گیری هوشنگ مرادی کرمانی با شش رأی در برابر ماریا النا والش با پنج رأی به عنوان نویسنده برگزیده هیأت داوران شناخته شد.

مرادی به دلیل تلاش صادقانه‌اش در پرداختن به زندگی نوجوانان روستایی و کیفیت ادبی آثار و طنز شیرینش مورد ستایش قرار گرفت که این انتخاب هم برای مرادی و هم برای ایران مسؤولیتی جدی به حساب می‌آید.

جوایز این دو هنرمند به همراه جایزه برنده تصویر در بیست و

دومین کنگره ادبیات کودکان که در سپتامبر ۱۹۹۲ (مهرماه ۷۱) در شهر برلین برگزار گردید به آنان اعطاء شد.

بدین ترتیب پرونده انتخاب بهترین نویسنده سال ۱۹۹۲ با همه سؤالات و نکته‌های مطرح شده که زمینه خوبی را برای بحثهای جدی متخصصان ادبیات کودکان فراهم می‌آورد بسته شد.

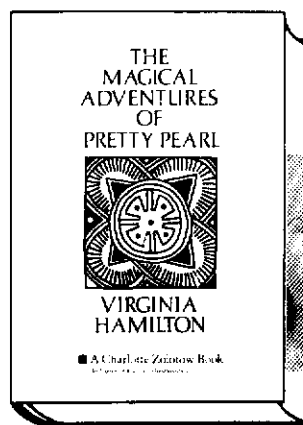
### ارزشیابی آثار تصویری

گزارش درباره آثار تصویری بدون حضور تصاویر و نمونه‌ها بسیار دشوار است، بنابراین در اینجا تلاش می‌کنم که با توجه به شرایط موجود تا آنجا که ممکن است چشم‌اندازی روشن هر چند محدود از خطوط کلی جریان بحثها ترسیم کنم و گزارش جامع را به وقتی واگذار نمایم که با کمک گرفتن از تصویر بتوانم اطلاعات عمیق‌تری از نکته‌ها، مشکلات و فضای کلی نقد و بررسی تصویر در دوره ۱۹۹۱-۱۹۹۲ در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم.

در نخستین برخورد چنین به نظر می‌رسد که به دلیل جهانی تلقی شدن زبان تصویر یعنی خط و طرح و رنگ کار ارزشیابی آثار تصویری باید ساده‌تر صورت بگیرد، خصوصاً اینک ضوابط هنری معمولاً کلی و جهانی است. اما این مربوط به وقتی است که تنها معیار ارزشیابی کیفیت هنری آثار باشد. ولی در شرایطی که با مفاهیم چند پهلویی مثل نوآوری، خلاقیت، اصالت، عمق، هویت و فلسفه هنرمند در برخورد با زندگی و دنیای کودکان که می‌تواند به گونه‌های مختلف مورد تفسیر قرار بگیرد روبرو هستیم تازه می‌فهمیم که ارزشیابی تصاویر آن‌گونه که دورنمایی اگرچه ساده لاقفل مشخص و روشن دارد نیست. خصوصاً اینکه اغلب اعضای هیأت داوران خود متخصص در حوزه‌های هنرهای تجسمی نیستند و همواره از مشورت‌های هنرمندان برای قضاوت کمک می‌گیرند. در این دور در جمع ما فقط یک نفر متخصص هنرهای تجسمی وجود داشت.

در برخورد کلی نظر اعضای هیأت داوران این بود که اغلب تصویرگران شرکت کننده دستی آشنا در هنر دارند و سوابق درخشان هنری آنها را می‌توان با دریافت بزرگترین جایزه‌های ملی و جهانی آنها سنجید. زیرا اکثر آثارشان ضمن دریافت جوایز درون مرزی بارها از سرشناس‌ترین مجامع هنری نظیر بینال براتیسلاو، نمایشگاه کتاب بولونیا، بنیال کاتالونیا و نوما جوایزی دریافت داشته‌اند که این خود نشانگر تواناییهای هنری آنهاست. ولی تواناییهای هنری یکی از معیارهای سنجش آثار هنرمندان برای دریافت جایزه جهانی اندر سن است.

برای اطلاع از نظر کارشناسان هنرمندان و هنرشناسان در بهمن ماه ۷۰ نمایشگاهی از کتابهای تصویری هنرمندان نامزد دریافت جایزه با همیاری شورای کتاب کودک در محل این شورا



ویرجینیا همیلتون (امریکی)





بر پا گردید که طی سه روز مورد بازدید دوستان و پندجاه نواز هنرمندان و هنرشناسان و متخصصان ادبیات کودکان قرار گرفت. دستاورد این نمایشگاه سه روزه شصت و چهار پرسشنامه حاوی نظرات دقیق هنرمندان و هنرشناسان بود که پس از تجزیه و تحلیل نتایج زیر بدست آمد:

با ۱۱۹ رأی	رادیانگ <sup>۲۸</sup> (امریکا)
با ۶۷ رأی	کِه وِتا پا کوفسکا <sup>۲۹</sup> (چکسلواکی)
با ۴۹ رأی	یاسوسه گاوا <sup>۳۰</sup> (ژاپن)
با ۲۳ رأی	اوا اریکسن <sup>۳۱</sup> (سوئد)
با ۲۲ رأی	کارینا کایلا <sup>۳۲</sup> (فنلاند)

به عنوان نفرت اول تا پنجم انتخاب شدند. با چنین دستمایه‌ای به جلسه نشست نهایی قدم گذاردم.

قبل از وارد شدن به بحث درباره کار یکایک هنرمندان دکتر نیل<sup>۳۳</sup> متخصص هنرهای تجسمی و استاد دانشگاه اولدنبورگ در آلمان، پیرامون معضل بزرگ هنرمندان در حفظ پیوند تصویر با متن نوشته و حفظ استقلال هنری صحبت کرد. او تأکید کرد که پابندی به متن به هیچ وجه به منزله دنباله روی از متن نیست و نباید به قیمت از دست رفتن استقلال هنری هنرمند تمام شود. او اشاره کرد که در واقع هنرمند توانا کسی است که در آفرینش دوباره اثر به زبان تصویر بتواند ابعاد پنهان متن را برای خواننده نمایان سازد و چشم انداز تازه‌ای را پیش روی او بگشاید و به برداشتها و دریافتهای او از متن بُعد تازه‌ای ببخشد که لازمه اش شناختن، دوست داشتن و زندگی کردن با متن است. متن ضعیف هرگز نمی‌تواند خاستگاه تصویرهایی خلاق و هنرمندانه باشد.

در بحثهای کلی مشکلات کار تصویرگران به این ترتیب مورد بحث قرار گرفت:

ابتدا تفسیری غلط از مفهوم نوآوری و خلاقیت مطرح گردید. اشاره شد که بعضی از تصویرگران عجیب بودن و غیرعادی بودن را خلاقیت و نوآوری تعبیر می‌کنند، و حال آنکه هر چیز عجیب و غیر عادی الزاماً خلاق نیست. می‌توان راههای رفته را دوباره با خلاقیت پیمود. نمونه این گونه، زیاده رویها را در آثار دورت کاریک<sup>۳۴</sup> (دانمارکی) و نیکل کلاولو<sup>۳۵</sup> (فرانسوی) در زشت‌نمایی و ترسیم چهره‌ها و فضاهای عجیب و غیرعادی می‌توان مشاهده کرد.

در برابر این گروه کسانی قرار می‌گیرند که در عین دارا بودن تواناییهای هنری بالا از تجربه کردن حوزه‌های نومی‌ترسند و خود را در فضایی بسیار محدود حبس می‌کنند. برای نمونه می‌توان از یاسوسه گاوا<sup>۳۰</sup> ژاپنی نام برد که در بالاترین درجه تواناییهای هنری خود را به شدت در دایره هنر سنتی ژاپنی محبوس کرده و هیچگونه تلاشی برای یافتن راههای ارتباط تازه با کودکان نشان نمی‌دهد، یا کارینا کایلا<sup>۳۲</sup> فنلاندی که علی‌رغم توانایی



خارق العاده هنری اش خود را در فضای بسته و پُر از تکرار افسانه‌های قدیمی و کلاسیک محدود کرده است، یا ماکس ولتوز هلندی و اوا اریکسن سوئدی که در خلق شخصیت‌های به یاد ماندنی در فضایی پرتحرک و زنده و سرشار از طنز قوی بسیار توانا هستند طی سالها در جاسا زده و هیچگونه تمایلی برای یافتن فضاهای تازه یا سبکها و روشهای نو ندارند.

مشکل دیگر در کار تصویرگران دنباله روی بی‌چون و چرا از متن و در نتیجه خشک و بیروح بودن آثار بود. تصویرگرانی که تکنیک قوی خود را تنها در خدمت برگردان موبه موی متن قرار می‌دهند و در نتیجه کارشان عاری از هرگونه جنبه‌های کاوشگرانه است، گرچه در تصویرهایشان جزئیات زیادی به چشم می‌خورد ولی خیلی زود تمام جنبه‌های آن شناخته شده و عملاً چیزی بر احساسها و برداشتهای خواننده و بیننده اضافه نمی‌کند. این ضعف را می‌توان در آثار اروین موزر<sup>۳۶</sup> اتریشی اریک بلوز<sup>۳۸</sup> کانادایی و هارولد نوربرگ<sup>۳۹</sup> نروژی و ینگ یونگ کین<sup>۴۰</sup> چینی مشاهده کرد.

مشکل دیگر حفظ هویت فرهنگی است. برداشتها از انعکاس هویت فرهنگی در آثار، برداشتهای یکسانی نبود. بعضی از اعضای هیأت داوران هویت را در به کارگیری سبکها و روشهای هنرهای سنتی می‌دانستند ولی اکثریت سخن از نوعی هویت پنهان داشتند که ناخودآگاه در آثار هنرمندان ظاهر می‌شود بی‌آنکه به عناصر ظاهری آن فرهنگ هم مجهز شده باشد.

بارها و بارها در طی بررسیها از زبان اعضای هیأت داوران شنیده می‌شد که می‌گفتند مثلاً باید فنلاندی یا نروژی باشی تا بتوانی علت به کار بردن رنگهای ملایم و فضاهای مه گرفته در تصاویر هنرمندان را درک کنی. این ضعف در به کار بردن رنگ نیست. این ویژگی طبیعی زیستن در محیطی است که چشم را تنها با رنگهای ملایم و مه گرفته می‌نوازند.

از طرف دیگر گاه با کار تصویرگرانی روبرو بودیم که به جای آنکه خود باشند تنها به تقلید و برداشتهای بسیار سطحی از کاراکترها یا فضاهای کلیشه‌ای مورد توجه کودکان که در قالب فیلمهای کارتنی یا سریالهای فکاهی ارائه می‌شوند می‌پرداختند، و در آثارشان نوعی دنباله روی از کلیشه‌ها مشاهده می‌شود. آثار راثول فورتن<sup>۴۱</sup> آرژانتینی، ویکی ریموس<sup>۴۲</sup> کاستاریکایی و سی بل وئاسینگ<sup>۴۳</sup> سریلانکایی را می‌توان از این دسته آثار دانست.

بحث اصلی درباره آثار خانم وئاسینگ آغاز شد. با وجود معرفی بسیار خوبی که گیوکوماتسوکا<sup>۴۴</sup>، عضو ژاپنی هیأت داوران از آثار او و تشریح شرایط دشواری که هنرمند در آن به سر می‌برد انجام داد، هیأت داوران نتوانست تقلیدهای هنرمند را از کلیشه‌های بین‌المللی بپذیرد. اکثریت اعضای هیأت داوران بر این عقیده بودند که با وجود ضعف در کیفیت چاپ و ارائه کتاب

● **وادی هنر و ادبیات**  
**راه دشواری است که به قله می انجامد**  
**و رسیدن به آن مستلزم تلاش**  
**و سخت کوشی و گذشتن از بسیاری از**  
**منافع کوچک آنی است.**

در کشورهای در حال رشد که سبب لطمه شدید به آثار هنرمندان می شود آنچه تأسف برانگیز است ضعف در کیفیت ارائه نیست بلکه خودباختگی هنرمندان در برابر کلیشه هاست.

دکتر تیل که سالها شاهد حضور فعال هنرمندان ایرانی در براتیسلاو و بولونیا بود اشاره کرد که آثار هنرمندان ایرانی نیز به سبب کیفیت ضعیف ارائه و چاپ بسیار لطمه می بیند، ولی از استقلال قابل تحسینی برخوردار است و به همین دلیل همواره مورد تحسین قرار گرفته است، و این نشان دهنده آن است که داورهای بین المللی با در نظر گرفتن شرایط و امکانات هنرمندان به راحتی از این گونه کمبودها می گذرند ولی آنچه غیر قابل گذشت است تسلیم شدن هنرمندان به جریانهای نازل هنری است که کارتنهای تولید انبوه و کمیکها به ذائقه کودکان و هنرمندان تحمیل کرده است. توصیه هیأت داوران به هنرمندان بخصوص هنرمندان کشورهای در حال رشد که در شرایط دشواری به فعالیت می پردازند این بود که ضمن تلاش برای برطرف کردن ضعف در کیفیت ارائه و چاپ به جوهر فرهنگی خود توجه داشته باشند تا به پایگاهی مستقل دست پیدا کنند.

در بررسی نهایی پنج هنرمند به خاطر توان هنری والا، اصالت، نوآوری و خلاقیت و تلاش برای دست یافتن به تجربه های نومورد تحسین اکثریت قرار گرفتند.

اد یانگ (امریکا)

که وتا پاکوفسکا (چکسلواکی)

وارزا لاواته (سوئیس)<sup>۴۵</sup>

آسن بازولا (اسپانیایی)<sup>۴۶</sup>

نیکلاس هایدلیاخ (آلمانی)<sup>۴۷</sup>

پس از یک روز بحث و گفتگو قرار شد تکلیف برنده نهایی را رأی تعیین کنند. در روز چهارم که وتا پاکوفسکا (چک) و اد یانگ (امریکایی) انتخاب شدند، در رأی گیری نهایی پاکوفسکا با چهار رأی در برابر یانگ با سه رأی برنده جایزه تصویرگری شناخته شد.

مخالفان یانگ معتقد بودند که یانگ با گسترده کردن دامنه کار خود از عمق آثارش کاسته است. در کارهای نخستین که یانگ با هویت چینی خود کار می کرد آثارش از اصالت بیشتری برخوردار بود و هر چه بر مهارت های تکنیکی او اضافه شد بیشتر با هویت اصلیش فاصله گرفت و آنچه امروز از او باقی است شخصیتی پریده رنگ از نظر فرهنگی است.

موافقان او را دارای استثنایی ترین ذائقه های هنری می دانستند و معتقد بودند که او از هویت چینی آغاز کرده و در مرحله بعد به هویت چینی امریکایی رسیده و در حال حاضر به هویتی جهانی دست یافته است. از اعجازهای او آن است که در برابر هر متنی که قرار می گیرد سعی می کند خود را از نو بیافریند. از به کار بردن سبکها و تکنیکها و ابزارهای متنوع ترسی ندارد و با اعتماد به



که وتا پاکوفسکا (چکسلواکی)



توانمندیش از هر تجربه‌ای موفق بیرون می‌آید.

مخالفان که و تا پا کوفسکا می‌گفتند که او در عین دارا بودن خلاقیت و نوآوری در برخورد با موضوعهای گوناگون به طور یکنواخت عمل می‌کند. شیوه کار او در یک عدد آموزش مناسب کودکان پیش از دبستان همان گونه است که در ترسیم یک افسانه عامیانه یا یک قصه نو، به نظر می‌رسد شخصیت‌های او همگی اسباب‌بازی هستند و هیچ نوع هویت خاصی چه پنهان و چه آشکار در آثارش دیده نمی‌شود، غیر از تبعیت از سنت تصویرگری چک. تصاویر با وجود توانایی هنری تصویرگر اندکی مکانیکی و بیروح به نظر می‌رسد.

موافقان او معتقد بودند که از نظر نوآوری و خلاقیت بی‌نظیر است، شهادت تجربه کردن همه سبکها و تکنیکها و وسیله‌ها را دارد. از چوب و کاغذ، فلز و سیم و رنگ و مقوا و حتی اشیاء گوناگون کمک می‌گیرد و پاستل، لیتوگرافی، برش کاغذ و کولاژ را بکار می‌برد. بزرگترین دغدغه ذهنی او کشف راههای نو برای ایجاد ارتباط تصویری با کودکان است و آنچه او را شایسته

دریافت جایزه می‌کند آن است که در نیمه راه شصت سالگی همچنان با طراوت و پُرانرژی به فکر تجربه کردن راههای تازه است و در آینده باید منتظر شاهکارهای او بود زیرا دشواریهای محیط اجتماعیش تا به حال مانع از آن بوده که او بتواند با تمام نیرو به میدان بیاید.

- اما دلایل هیأت داوران برای اعطای جایزه به پا کوفسکا:
۱. تلفیق هنرمندانه و خلاق طراحی، نقاشی و کولاژ و استفاده از کاغذ و برش برای ارائه بُد؛
  ۲. موفقیت او در تبدیل کتاب کودک به وسیله‌ای برای بالا بردن شناخت کودکان از هنر و معیارهای زیبایی شناختی؛
  ۳. تبدیل کتاب به بازیچه‌هایی که کودکان به خوبی از آن استقبال می‌کنند بی‌آنکه لازم باشد ذره‌ای از ارزشهای هنری آن کاسته شود.

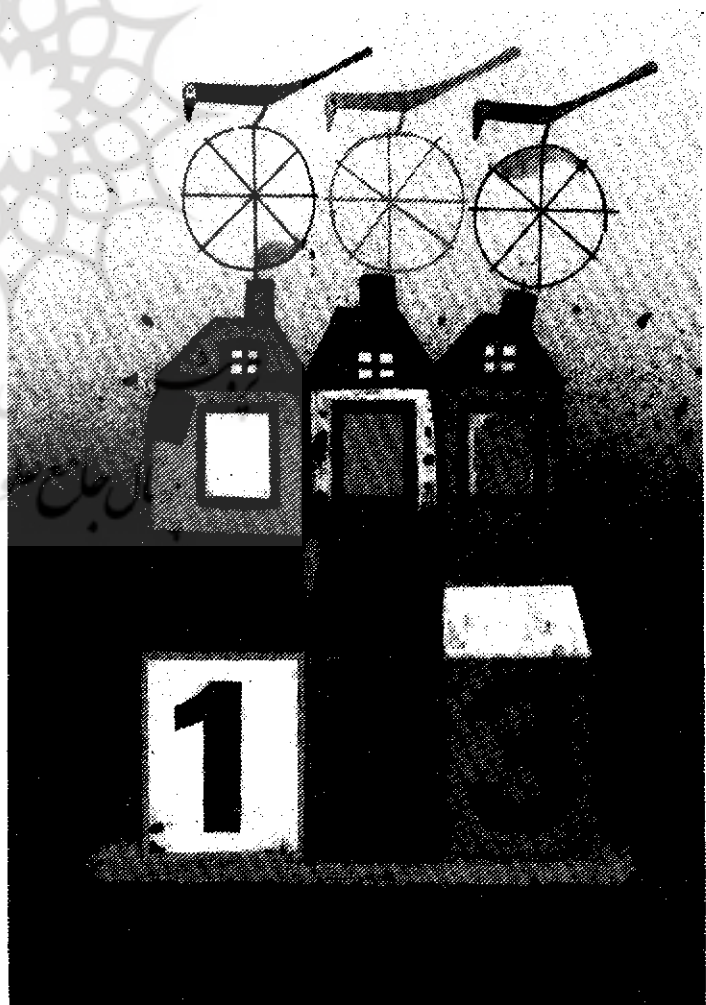
هیأت داوران در بخش تصویر اتفاق نظری برای اعطای لقب هنرمند برگزیده به دست نیاورد، زیرا تجربه‌های گذشته را با دو مورد اخیر اعطای این لقب به سه گاو و نیکل کلاولو تجربه موفق زیبایی نکرد.

در این مورد اظهار شد که هیأت داوران برای اعطای لقب تنها تشویق تبلیغاتی هنرمندان را مد نظر ندارد بلکه انتظار دارد اعطای این لقب سبب پیشرفتهای چشمگیر در آثار ادبی و هنری کسانی بشود که به زعم هیأت داوران در آن دوره می‌توانند از امیدهای آینده جایزه باشند.

بد نیست این بحث را با توجه به تجربه به دست آمده با نگاهی به بخت بالقوه نویسندگان و هنرمندان ایرانی در عرصه جایزه جهانی اندرسن به انتها ببریم.

خواندن و بررسی و مقایسه آثار نشان داد که هنرمندان و نویسندگان ما از قابلیت قابل ملاحظه‌ای برای حضور فعال در صحنه‌های بین‌المللی و ایستادن در کنار دیگران برخوردارند ولی این قابلیت بالقوه برای آنکه به فعل دربیاید نیازمند تلاشهای برنامه‌ریزی شده و گسترده و سازمان یافته است، آن هم نه یک سازمان و تشکیلات بلکه کلیه افراد دستگانهایی که ادعا می‌کنند در وادی فرهنگ قدم می‌زنند.

ابتدا ناشران ما باید شهادت قدم گذاشتن در راههای کوبیده نشده را پیدا کنند و به آثار ارزشمندی که تعداد آنها هم کم نیست و در گوشه‌ای بایگانی شده است اجازه حضور در صحنه را بدهند و تنها به چاپ آثار متوسطی که سرمایه‌های آنها را سریع برمی‌گرداند دلخوش نباشند. آثار ارزشمند به سرعت جای خود را باز نمی‌کنند و به زمان نیاز دارند اما وقتی راه خود را باز کردند با ایجاد تغییر در ذائقه کودکان و نوجوانان جریان فرهنگی می‌آفرینند. در حقیقت ناشرینی خدمت فرهنگی می‌کنند که جریان فرهنگی بیافرینند و گرنه تن سپردن به جریان غالب،



2. James Houston.
3. Tarill Thorstad Hauger.
4. Käthe Recheis.
5. Murice Saxbi, *The Changing face of Australian Story: Papers presented at the Australian Section of IBBY Conference of Children's Literature Sydney. IBBY, Australia 1984, p. 184.*
6. Captured by the Vikings.
7. Leana.
8. Bent Haller.
9. Forbidden for Children.
10. Little Sophi and the Lanky Flop.
11. Els Pelgrom.
12. Hannu Mäkelä.
13. Gallatia G. Soureli.
14. Lora Rios.
15. Shorts.
16. Barbro Lindgren.
17. A Worm Tale.
18. Shorty Takes off.
19. Zakopane tramps.
20. The Crasy Boat without a Ruddar.
21. the Sparrow in the red vest.
22. Virginia Hamilton.
23. M.C. Haggins the great.
24. Hornbook
25. Boston Globe.
26. The planet of the Jounior Brown.
27. The Magical Adventures of pretty peal.
28. Ed Young.
29. Kveta Pacovska.
30. Yasuo Segawa.
31. Eva Eriksson.
32. Kaarina Kaila.
33. Dr. Jens Thiele.
34. Dorte Karrebaek.
35. Nicole Claveloux.
36. Max Velthuijs.
37. Erwin Moser.
38. Eric Beddows.
39. Harold Norberg.
40. Yang Yong Qin.
41. Raül Fortin.
42. Vicky Ramos.
43. Sybil Wettasinghe.
44. Kyoko Matsuoka.
45. Warja Larater.
46. Asun Balzola.
47. Nicolaus Heidelbach.

مجله نقد ادبیات کودکان در امریکا

شناخت فرهنگی لازم ندارد.

هنرمندان و نویسندگان هم به فروش کتابهایشان و پیروزیهای کوچک دل خوش نکنند و حقیقتاً برای ارتقاء همه‌جانبه کار خود بکوشند. حیطه ادبیات کودکان زنگ تفریح نیست که هر گاه از کارهای عادی خود خسته شدند کاری هم از سر صدقه نثار این حوزه کنند. به جای رنجیدن از انتقاد به نظرهای دلسوزانه دل بسپارند، زیاد بخوانند و ببینند و با وسواس کار کنند. تنگناهای مالی همیشه در طول تاریخ برای صاحبان هنر و اندیشه بوده است ولی ارائه کارهای شتابزده و سطحی به بهانه اینکه «باید زندگی کرد» از هیچ هنرمندی پذیرفته نیست، بخصوص در حوزه ادبیات و هنر کودکان. وادی هنر و ادبیات راه دشواری است که به قله می‌انجامد و رسیدن به آن مستلزم تلاش و سخت کوشی و گذشتن از بسیاری از منافع کوچک آتی است.

دست اندرکاران هم باید با جو ناخوشایند نفی دستاوردهای بیرون‌مرزی مبارزه کنند و راه را برای حضور فعال و مستمر در صحنه‌های بین‌المللی باز کنند. اگر می‌خواهیم ارزشهای فرهنگی خود را به دیگران بشناسانیم باید در صحنه حضور مستمر داشته باشیم. هیچ فرهنگی در دایره بسته نمی‌تواند به بالندگی برسد.

در انتخاب نویسندگان و هنرمندان برای شرکت در هر مجمع بین‌المللی به جای تکیه بر روابط و ملاحظات خاص و گاه شخصی به معیارهای ادبی و هنری و آمادگیهای هنرمندان تکیه داشته باشیم.

آنهايي را که برای حضور در صحنه‌های بین‌المللی برمی‌گزینیم نه با حرف بلکه با عمل پشتیبانی کنیم تا بتوانند با تمام نیرو به عرصه رقابت جهانی بروند. تهیه یک معرفی جامع، ترجمه آثار به زبانهای بین‌المللی، فراهم آوردن مجموعه آثار مستلزم صرف وقت و پول است و تنها از یک فرد یا یک سازمان ساخته نیست.

راه صادرات کتاب کودک را ابتدا به کشورهایی که با ما هم‌زبان یا دارای اقلیت فارسی‌زبان هستند باز کنیم و سپس بهترین آثار نویسندگان و هنرمندان ایرانی را برای عرضه به بازارهای جهانی به یکی از زبانهای رایج ترجمه کنیم و راه را برای تبادل فرهنگی باز نماییم، آنگاه به قله چشم بدوزیم؛ که به قله رسیدن تنها در اختیار گرفتن یک جایزه نیست بلکه رسیدن به مکانی است که از نظر فرهنگی استحقاق آن را داریم.

ختم کلام اینکه تشکر عمیق خود را به همه یاوران و همکارانی نثار می‌کنم که بدون همدلی و کمکشان به پایان بردن این راه برای من ممکن نبود.

توضیحات:

1. Maria Elena Walsh.